

داخلی

اعدام؛ مجازات آتش زدن مسجد



سحرگاه دیروز، یکی از عناصر مسلح و لیبرهای شبکه همکار موساد به اتهام آتش زدن مسجد جامع قلهک و هدایت اقدامات ضدامنیتی در این منطقه، پس از تأیید حکم توسط دیوان عالی کشور به دار مجازات آویخته شد. این اقدام در پی وقایع

دی ماه ۱۴۰۴ و تلاش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. به گزارش همشهری، این فرد که امیرعلی میرجعفری نام داشت، نقش کلیدی ای در تخریب و آتش سوزی مسجد قلهک و رهبری شبکه مرتبط با دشمن ایفا می کرد. وی در بازجویی ها به حضور در اغتشاشات، برتابه به باجه های تلفن و شیشه های اتوبوس، آتش زدن موتورسیکلت با بنزین در میرداماد و خیابان دولت و همچنین نقش لیدری در این وقایع اعتراف کرده است. میرجعفری همچنین به حمل سلاح سرد و بنزین و حمله به مأموران فرجا و نیروهای حافظ امنیت اقرار کرد.

از دیگر اقدامات مجرمانه وی که در پرونده ذکر شده است، تخریب اتوبوس، آتش زدن موتورسیکلت مأموران، تخریب و آتش زدن مسجد جامع قلهک، سرکردگی تجمع شبکه موساد، حمل سلاح سرد، آسیب رساندن به مأموران حافظ امنیت و مسدود کردن راه ها با آتش زدن سطل زباله بود. مستندات فنی و تصاویر دوربین های مداربسته و تلفن همراه، حضور فعال وی در اغتشاشات روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴ و همچنین فیلم آتش زدن مسجد و حمله به خودروها را تأیید می کرد.

دادگاه بدوی، امیرعلی میرجعفری را به اتهام اقدام عملیاتی برای رژیم صهیونیستی و دولت متخاصم آمریکا، بر خلاف امنیت کشور، از طریق آتش زدن مسجد جامع قلهک و وسایل عمومی و حمله به مأموران با سلاح سرد به اعدام محکوم کرد. هرچند این پرونده در دیوان عالی کشور نیز مورد رسیدگی مجدد قرار گرفت اما در نهایت با توجه به مستندات موجود، اقرار متهم به سرکردگی اغتشاشگران و اقدامات وی، حکم صادر شده تأیید شد. این حکم پس از طی تشریفات قانونی، بامداد دیروز به اجرا درآمده و امیرعلی جعفری به دار مجازات آویخته شد.

در ادامه مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد، همزمان با اجرای این حکم، ۲۲ نفر در ۲ استان دیگر، به دلیل همکاری با دشمن در پرونده های جداگانه به حبس محکوم شده اند. ۸ نفر از این محکومان به حبس بیش از ۱۰ سال و ۱۴ نفر به حبس کمتر از ۱۰ سال به همراه مجازات های تکمیلی محکوم شده اند.



روایت های باورنکردنی از نجات شهروندان در جنگ تحمیلی سوم
عملیات غیرممکن آتش نشانان



سخت ترین صحنه
در جنگ بیشتر پیکرهایسی که پیدا می کردیم نصفه و نیمه بودند. در یکی از همین صحنه ها، پیکر نوزادی ۲ ماهه را پیدا کردیم که شاید از پیکر او ۱۰ اسنانت هم نمانده و کنار پیکر مادرش بود. دست زدن به پیکر نوزاد برایمان خیلی سخت بود. در آن صحنه شاید من و همکارانم اشک نریختیم اما از درون سوختیم؛ چون حتی وقت گریه کردن هم نداشتیم. پیکر مادر و فرزند را پایین آوردیم که آقایی آمد کنار کاور پیکر مادر و بچه. او نمی دانست چه اتفاقی افتاده است. گفت بچه ام ۲ ماهه است و با مادرش در ساختمان است. تو را به خدا آنها را بیاورید. جرات این را نداشتیم که بگویم داخل این کاور پیکر همسر و بچه ات قرار دارد. تعریف کردن این صحنه ها هم سخت است.



گزارش گروه حوادث | در سست وقتی همه از محل انفجار بمب و موشک فرار می کنند، آنها جان خود را کف دست می گیرند و با عجله به سوی محل حادثه می روند. در آن لحظات که همه دچار ترس و وحشت شده اند آنها فقط به نجات جان انسان ها فکر می کنند. آتش نشانان در جریان جنگ تحمیلی سوم موفق شدند دست کم ۲۷ نفر از زنده از زیر آوار بیرون بکشند. یکی از این آتش نشانان، علی اصغر آقاخانی است؛ آتش نشانی ۴۲ ساله که از ۱۷ سال قبل با افتخار لباس آتش نشانی را به تن کرده است. او در برنامه تلویزیونی سرخ روایت های تلخ و شیرینی از روزهای جنگ تحمیلی سوم بازگو کرده که بخش هایی از آن را در این گزارش می خوانید.

نجات در اوچ ناامیدی
در جریان حمله ای که دشمن به منازل مسکونی در شرق تهران کرده بود، ۳ ساختمان تخریب شده بود. وقتی در محل حادثه حاضر شدیم، پیکر چند نفر را پیدا کردیم و گفتند یک نفر زیر آوار زنده است. چنین چیزی بعید بود؛ چرا که چندین تن آوار آنجا وجود داشت. او در جایی تنگ گرفتار شده بود که وقتی من می خواستم وارد شوم باید کلاهم را از سرم برمی داشتم تا به او برسم. او حرف می زد و می گفت من نمی توانم نفس بکشم. ناامید بود و می گفت من زنده نمی مانم. شرایط سختی داشت اما حدود ۳ ساعت طول کشید تا بالاخره توانستیم این فرد را به طور کامل از زیر آوار بیرون بکشیم. نکته مهم اینکه او حتی یک خراش هم روی بدنش نیفتاده بود و خودش با پاهای خودش از آنجا خارج شد.

آواربرداری
باید با کمترین نیرو وارد عملیات آواربرداری شویم؛ چون ممکن است فردی زیر آوار باشد و باره رفتن روی او یا حتی ایجاد ارتعاش، فرد گرفتار شده راه تنفسش بسته شود و نتواند نفس بکشد. ماشین آلات سنگین هیچ وقت به محل نزدیک نمی شوند؛ چرا که صدای آنها ممکن است باعث جابه جایی آوار و مرگ افراد شود. اول محل حادثه را ساکت می کنیم و بعد صدا می زنیم و می پرسیم آیا کسی اینجا هست؟ بعد اگر صدایی شنیدیم به سمت صدا می رویم و جست و جویا شروع می کنیم. البته از دوربین های مخصوص یا رادارهای مخصوص هم برای پیدا کردن افراد زیر آوار استفاده می کنیم.

آغاز جنگ
اولین مأموریتی که رفتم، خانه ای در شرق تهران بود. وقتی رسیدیم هنوز گردوخاک در آسمان بود. پیکر ۲ شهید در خیابان افتاده بود. یک خانم وقتی از آنجا عبور می کرده به شهادت رسیده و یک نفر دیگر هم آن لحظه از بین دو خودرو عبور می کرده که بر اثر انفجار کاملاً سوخته بود. این نخستین صحنه های دلخراش جنگ تحمیلی سوم بود که دیدم.

جزئیات یک عملیات
قبل از اینکه همه نیروها وارد شوند، در فاصله حدود ۵۰ متری توقف می کنیم و فرمانده پایگاه وارد می شود و در کمتر از یک دقیقه صحنه را ارزیابی می کند که ببینیم محیط برای اعزام آتش نشانان ایمن است یا نه. بعد نیروها با آگاهی از شرایط و خطرات صحنه، وارد می شوند و وظیفه هر فردی مشخص است. ما یک تیم حریق و یک تیم نجات داریم که هر کدام وظیفه خودش را انجام می دهد. در ادامه از وسایلی که در اختیار داریم مثل نردبان هیدرولیکی استفاده و عملیات را شروع می کنیم.



گپ

داور بازنشسته فوتبال پشتیبان رزمندگان خارگ



استان بوشهر در روزهای جنگ تحمیلی سوم، آماج حمله های دشمن بود؛ به طوری که گفته می شود از جهت تعداد حملات دشمن در جنگ تحمیلی سوم، در رتبه پنجم قرار داشت. جزیره استراتژیک خارگ هم در روزهای جنگ چندبار هدف حمله قرار گرفت و نزدیکی این

جزیره به برازجان در استان بوشهر، عبدالرسول استادزاده، داور بازنشسته فوتبال را بر آن داشت که بار دیگر یک فعالیت خلاقانه در بصیوحه جنگ داشته باشد.

او به همشهری می گوید: «از همان شروع جنگ و بعد از حمله به خارگ بود که فکر کردم بچه های رزمنده نیاز به لوازم بهداشتی، وسایل ضروری و آذوقه دارند. صلاح نبود که دشمن از فعالیت های مردمی اطلاع پیدا کند و به همین دلیل موضوع را رسانه ای نکردیم.»

استادزاده که ۶۰ ساله است و در حال حاضر به عنوان ناظر و مدرس فدراسیون فوتبال فعالیت می کند، می افزاید: «در ابتدا مخالفت هایی با این فعالیت صورت گرفت. مخالفان می گفتند رزمنده ها خودشان نیازهایشان را تأمین می کنند و به کمک های مردمی در خارگ نیاز نیست. با پیگیری های صورت گرفته خوشبختانه سسر انجام با این پیشنهاد موافقت شد.»

او توضیح می دهد: «به دلیل سابقه ورزشی ام اهالی برازجان من را می شناسند. ابتدا به سراغ خیران رفتم و از آنها درخواست کمک کردم. بعد از بقیه شهروندان کمک خواستم و خوشبختانه استقبال کردند. بعد از آن هم شماره کارت بانکی اعلام شد تا مردم بتوانند کمک های نقدی خود را به حساب مورد نظر واریز کنند. کمک های غیر نقدی در ۴ مرحله به جزیره خارگ ارسال شد. این کمک ها از سبزی، میوه و غذا تا البسه و لوازم بهداشتی را شامل می شد که از طریق گناوه برای رزمنده های جزیره خارگ ارسال می شد.»

استادزاده عاشق فعالیت های خیرخواهانه است و ابایی ندارد که بابت کار خیر به کسی رو بیندازد. او در این روزها در اقدامی دیگر داوران را دور هم جمع می کرد تا به صورت دسته جمعی به مراکز انتقال خون بروند.



فیلم گزارش را با اسکن این کد ببینید

با «هوکا» در خیابان

بانوی روستای کریم کلا با تیشه کشاورزی راهی تجمعات شبانه می شود تا خشم خود را از دشمن اعلام کند

گزارش
گروه سرزمین من | از همان شب اولی که قرار بر تجمع شبانه و همصدایی مردم ایران شد، آدم های بی ادعا راهی خیابان شدند و برای پیش‌تیبانی از وطن، پرچم به دست گرفتند. یکی از همین مردم «سیده کبری رضائی کریم کلا» ساکن روستای کریم کلا با بلبس است که قبلی از او که هوکا (نوعی ابزار کشاورزی در بابل) به دست دارد و شعار مرگ بر آمریکا سر می دهد در فضای مجازی حساسی بر بازدید شده است. او می گوید که برای دفاع از وطن، حضور در تجمعات شبانه کمترین کاری است که از دستش بر می آید.



یارک وی

رادارهای متخاصم در بارش های ایران نقش داشتند؟

بارش های قابل توجه امسال در ایران، همزمان با موجی از شایعات درباره نقش تخریب رادارهای کشورهای متخاصم در تغییر الگوهای بارشی، به یکی از بحث های داغ فضای مجازی تبدیل شده است، اما یک مدیر ارشد سازمان هواشناسی کشور این شایعه ها را رد می کند و می گوید که چنین ادعاهایی به هیچ عنوان صحت ندارد. رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور، در واکنش به ادعاهای مطرحه درباره اینکه گفته می شود پس از پاسخ ایران به تجاوز دشمن و هدف قرار دادن رادارهای کشورهای متخاصم در منطقه، الگوهای بارشی در ایران پیدا می کرده است، تصریح کرد: سامانه های بارشی گسترده که در هفته های پایانی اسفند و ابتدای فروردین در کشور فعال بودند و بارش های خوبی را هم رقم زدند، براساس ساز و کارهای شناخته شده جوی شکل گرفته اند و از هفته های قبل نیز قابل پیش بینی بودند. نکته ای که سازمان هواشناسی بارش های مناسب بهار را در زمستان سال قبل پیش بینی کرده بود. احد وظیفه در گفت و گو با همشهری با بیان اینکه شکل گیری این سامانه ها به ۳ مؤلفه اصلی وابسته است، افزود: نخست، ورود جبهه های هوای سرد از عرض های شمالی به منطقه شرق مدیترانه که گاه گستره هزاران کیلومتری دارند و دوم، انتقال رطوبت از عرض های جنوبی شامل اقیانوس هند و دریای سرخ بر خورد این دو جریان به تشکیل جبهه های گرم و سرد و در نهایت بارش های گسترده منجر می شود و این فرایند به طور دقیق در مدل های هواشناسی شبیه سازی و پیش بینی می شوند. او تأکید کرد: این سامانه ها حتی ۲ تا ۳ هفته پیش از وقوع نیز قابل رصد و پیش بینی بودند و ارتباط دادن آنها به فعالیت راداری یا اقدامات خارجی از نظر علمی قابل اعتنا نیست. رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور در بخش دیگری از سخنانش به حمله به برخی رادارهای هواشناسی در بوشهر و خوزستان اشاره کرد و توضیح داد: رادار بوشهر در جریان حملات دشمن به طور جدی آسیب دید و حتی سازه دکل آن نیز تخریب شد و نیازمند بازسازی کامل است؛ اما رادار هواشناسی خوزستان در اهواز به طور کامل از بین رفته و بخش هایی از آن آسیب دیده اند.